

پاسخ‌های روشن به ائمه اسماعیل بصری

۲

نگاهی به حدیث وصیت

نویسنده: شیخ علی آل محسن

مترجم: محمد مهدی سلمانپور

پاسخ های روشن به
احمد اسماعیل بصری

نگاهی به حدیث وصیت

نویسنده

شیخ علی آل محسن

مترجم

محمد مهدی سلمانپور



مركز الدراسات والبحوث الاسلاميه

شماره انتشار: ۲۳۰

نگاهی به حدیث وصیت

نویسنده

شیخ علی آل محسن

مترجم

محمد مهدی سلمانپور

مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام

شماره انتشار: ۲۳۰

چاپ اول، ۱۴۴۱ قمری

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نجف اشرف

تمامی حقوق متعلق به مرکز پژوهش‌های

تخصصی امام مهدی علیه السلام می‌باشد

به نام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه‌ی مرکز:

سپاس از آن پروردگار جهانیان است، و درود و سلام بر سرور و پیامبر ما، محمد و خاندان پاک و طاهر ایشان.

مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی عج، به دنبال افزایش مباحث پیرامون احمد اسماعیل گاطع و ادّعاها و دروغ‌های او که بیش از پنجاه ادّعای باطل و بی‌دلیل است، پاسخ به این ادّعاها را ضروری دانسته است. لازم به تذکر است که جواب به آن سخنان، به معنای علمی و منطقی بودن آنها نیست؛ چرا که ادّعاهای آن افراد تنها تقلب، نیرنگ، دروغ، افتراء و برخورد سلیقه‌ای با روایات است و بهترین

۴..... پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

دلیل بر این امر کتابهای (احمد اسماعیل) و پیروانش است. بلکه رد و پاسخ به ادعاهای این افراد به دلیل شبهاتی است که می تواند دامن گیر برخی افراد ضعیف شده و در نتیجه پاره ای توضیحات، روشنگری ها و بیان مبانی را سبب گردد که راه و روش علمی نزد همه مردم به صورت عام و شیعیان به شکل ویژه، بر آن تکیه دارد.

علاوه بر این، افرادی که فریب (احمد اسماعیل) را خورده و از او پیروی کرده اند نیز باید با دلیل و برهان روبرو شوند تا کسی از این افراد را یارای این نباشد که بگوید: ﴿پروردگارا چرا برای ما پیامبری بیم دهنده نفرستادی و راهنمایی هدایتگر را نیآوردی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم﴾ (طه: ۱۳۴)۱.

از این رو، در کنار دیگر فعالیت های مرکز

۱. اقبال اعمال ج ۱، ص ۵۰۵.

نگاهی به حدیث وصیت ۵

پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام در رد شبهات، از طریق سایت اینترنتی، فضای مجازی و نشریه (صدی المهدی) و دیگر فعالیتهای انتشار این کتابچه نیز در رد بر احمد اسماعیل، حلقه‌ای از حلقه‌های برخورد با اهل بدعت و انحراف محسوب می‌شود.

از خدای متعال توفیق ثابت قدمی بر حق را خواستاریم. ای دگرگون‌کننده قلب‌ها، دل‌های ما را بر دینت ثابت بدار.

مدیر مرکز

سید محمد قبانچی

پیشگفتار مترجم

احمد اسماعیل بصری، مشهور به احمد الحسن، از دجالان، شیادان و مدعیان دروغین این عصر است. او از عشیره البوسیلیم استان بصره است و کمتر از دو دهه پیش ادعاهای ناروای خویش را در عرصه مهدوی آغاز کرده است.

ادعاهای نامبرده، از ارتباط با امام زمان علیه السلام آغاز شد و سپس مدعی مذکور خود را فرزند امام عصر، یمانی موعود، مهدی اول از مهدیان دوازده گانه‌ای که به پندار باطل او پس از امام زمان علیه السلام به حکومت می‌رسند، جانشین و فرستاده و نائب خاص امام زمان دانست. او همچنین خود را معصوم و دارای علم و سلاح اهل بیت علیهم السلام، امام سیزدهم و وصی امام زمان علیه السلام نیز قلمداد می‌کند.

۸..... پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

این میراث دار مکتب شلمغانی، در حالی چنان ادعاهایی می کند که در حدّ یک فرد عامّی هم از اسلام و قرآن اطلاع ندارد و خطاهای او حتّی در خواندن آیات ساده‌ی قرآن نیز بی شمار است.

در حدود کمتر از دو دهه که از فعالیت‌های این جریان می گذرد، کتب و مقالات بسیاری در نقد و بررسی ادعاهای باطل آن به نگارش در آمده است. مرکز پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام در نجف اشرف، از مراکزی است که پیشینه‌ای درخشان در پاسخ به شبهات این مدّعی مهدویت دارد.

از جمله آثاری که این مرکز در دفاع از عقائد حقّه توفیق نشر آن را یافته است، مجموعه‌ی عالمانه‌ی (الردّ الساطع علی ابن گاطع) است که ده کتاب کم حجم را شامل می شود. این کتب، برگرفته از کتاب‌های مفصلی هستند که نویسندگان محترم آنها به تفصیل در رد احمد اسماعیل نگاشته‌اند و برخی از آن آثار را نیز مرکز

نگاهی به حدیث وصیت ۹

پژوهش‌های تخصصی امام مهدی علیه السلام منتشر ساخته است.

کتابی که پیش روی خوانندگان گرامی است، دومین اثر از مجموعه‌ی مورد اشاره است. نویسنده‌ی فاضل این کتاب، استاد شیخ علی آل محسن است و اثر خود را به بررسی حدیث و وصیت که مهم‌ترین استناد و ادّعای احمد اسماعیل و پیروان اوست اختصاص داده است.

این اشخاص به حدیثی ضعیف در کتاب غیبت شیخ طوسی استناد می‌کنند که در آن، پیامبر خدا به جانشینان خود وصیت نموده است. در ذیل این روایت، سخن از مهدیان دوازده گانه‌ای است که پس از دوازده امام خواهند بود و نام اولین آنان نیز احمد است.

این روایت مهم‌ترین استناد احمد اسماعیل و یاران اوست که در دفاع از آن چندین کتاب نیز نوشته‌اند. استاد شیخ علی آل محسن، در این اثر به تفصیل سند و متن این روایت و ادّعاهای مربوط به آن را بررسی نموده و پس از بیان

۱۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

سخنان برخی از بزرگان شیعه درباره ی این روایت ضعیف، روایات متعدد و متواتری از شیعه و مخالفان را نیز در اثبات این که امامان تنها دوازده نفرند و نه بیشتر، ذکر کرده است. با مطالعه ی کتاب پیش رو، خوانندگان گرامی به داوری منصفانه درباره ی شخصیت این مدّعی دروغین خواهند پرداخت. امید که این اثر در پیشگاه قطب عالم امکان مقبول و مرضیّ افتد.

* * *

روایت کتاب غیبت شیخ طوسی

روایتی را که احمد اسماعیل و پیروانش (روایت وصیت)^۱ نامیده‌اند، توسط شیخ طوسی در کتاب غیبت چنین نقل شده است:

به ما خبر دادند گروهی از ابو عبد الله حسین بن علی بن سفیان بزوفری، از علی بن سنان موصلی عدل، از علی بن الحسین، از احمد بن محمد بن خلیل، از جعفر بن احمد بن مصری، از عمویش حسن بن علی،

۱. علت این نامگذاری این است که مردم فریب خورده و چنین تصور کنند که این روایت، وصیت رسول خدا در شب وفاتشان است. ما چون این ادعا را قبول نداریم، از این روایت با عنوان روایت کتاب غیبت، یا روایت وصیت که شیخ طوسی در کتاب غیبت آورده است یاد می‌کنیم. (مؤلف).

۱۲ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

از پدرش، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، از پدرش امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام، از پدرش صاحب پینه ها امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، از پدر پاک و شهیدش امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، از پدرش امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام، که فرمود: رسول خدا که درود خدا بر ایشان و خاندانشان بود در شب وفاتشان به علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: ای ابو الحسن، ورق و جوهری آماده کن. پس پیامبر خدا وصیتشان را به امام علی املا نمودند تا به این قسمت رسید:

ای علی، پس از من دوازده امام و پس از آنان دوازده مهدی خواهد بود. تو ای علی اولین آن دوازده امام هستی و خداوند تو را در آسمانش چنین نامیده است: علی مرتضی، امیر مؤمنان، صدیق اکبر، فاروق بزرگ، مأمون و مهدی. و این اسامی برای هیچ کس غیر از تو روا نیست. ای علی، تو وصی من بر زنده و مُرده ی اهل بیتم و بر زنانم هستی، پس هر کدام را که در عقد ازدواج من باقی گذاری او فردای قیامت مرا ملاقات خواهد کرد و هر کس را طلاق بدهی من

نگاهی به حدیث وصیت ۱۳

از او بیزارم، نه او در قیامت مرا می‌بیند و نه من او را خواهم دید.

تو پس از من جانشین من بر اتمم خواهی بود. هنگامی که وفات فرا رسید وصیت و جانشینی را به پسر من حسن که نیکوکار و رسیده به حق است بسپار. زمانی که وفات او فرا برسد آن را باید به فرزندم حسین پاک شهید بسپارد. هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش زین العابدین، علی صاحب پینه‌ها^۱ بسپارد. هنگامی که وفات او فرا رسید باید آن را به فرزندش محمد باقر بسپارد. هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش جعفر صادق بسپارد، هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش موسی کاظم بسپارد، هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش علی بن موسی الرضا بسپارد، هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش محمد تقی مورد اعتماد بسپارد، هنگامی

۱. بر اثر عبادت زیاد، پیشانی امام سجاد علیه السلام پینه‌ی بسیاری بسته بود و این تعبیر از القاب آن حضرت است. (مترجم).

۱۴ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش علی ناصح بسپارد، هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش حسن فاضل بسپارد، هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش محمد، محفوظ مانده‌ی آل پیامبر بسپارد. این دوازده امام هستند.

پس از آن دوازده مهدی خواهد بود. هنگامی که وفات او فرا رسد باید آن را به فرزندش اولین مقربان بسپارد که سه نام دارد: نامی مانند نام من یعنی احمد و نامی همنام پدرم یعنی عبد الله و نام سوم هم مهدی است و او اولین مؤمنان است.^۱

سند روایت وصیت:

سند این روایت جداً ضعیف است و اکثر راویان آن، افرادی ناشناس می‌باشند و هیچ ستایش یا نکوهشی درباره‌ی ایشان در کتب رجالی وجود ندارد. ذیلاً به بررسی برخی راویان این روایت می‌پردازیم:

۱. غیبت طوسی ص ۱۵۰ و ۱۵۱، ح ۱۱۱.

۱ - علی بن سنان موصلی عدل:

این شخص در کتب رجال مهمل است و هیچ نامی از او وجود ندارد و مدح یا نکوهشی درباره اش وارد نشده است. بنابراین مجهول به شمار می آید.

صفت عدل که در نام اوست، به معنای توثیق نیست چرا که می تواند وصف یکی از اجداد او باشد؛ حتی اگر بپذیریم که وصف خود اوست نیز ممکن است مربوط به امری بی ارتباط با و ثاقت باشد.

آیت الله خوئی در شرح حال فقیه دارمی عدل فرموده اند:

بعید نیست که این شخص از اهل سنت بوده و کلمه عدل نیز از القاب او باشد. این کلمه بر نویسندگان دستگاه های قضایی و حکومتی اطلاق می شد و گفته می شد که فلانی کاتب عدل است^۱.

۱. معجم رجال الحدیث ج ۶، ص ۲۱۰، ش ۳۳۰۲.

۱۶ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

آیت الله خوئی از این توصیف، سنّی بودن فرد را برداشت کرده اند و در موضعی دیگر نیز [در شرح حال همین علی بن سنان موصلی] فرموده اند:

کلمه‌ی عدل حسب آن چه از ذکر این شخص در مشایخ صدوق بر می آید، صفتی برای برخی از عالمان اهل سنت بوده است. همچنین بعید نیست که خود این فرد نیز از اهل سنت باشد^۱.

حتّی اگر بپذیریم که این ویژگی به وثاقت شخص نیز ارتباط دارد، باز هم نمی دانیم چه کسی این لقب را به ایشان داده است. ممکن است در جرح و تعدیل راویان احادیث، اعتمادی به آن فرد نباشد.

۲ - علی بن الحسین:

این نامی است که در بین افراد مختلفی مشترک است و راه تشخیص و شناخت آن، توجه و دقت در افرادی است که از این شخص روایت کرده اند یا او از

۱. معجم رجال الحدیث ج ۱۳، ص ۵۰، ش ۸۱۹۴.

نگاهی به حدیث وصیت ۱۷

آنان نقل حدیث کرده است. با جستجو در روایات نیز به هیچ شخصی با نام علی بن الحسین بر نمی‌خوریم که از احمد بن محمد بن خلیل روایت کند و علی بن سنان، موصلی عدل نیز از او نقل حدیث کرده باشد. بنابراین، این شخص مجهول است.

این که برخی پنداشته‌اند این فرد همان علی بن الحسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق) است نیز باطل و نادرست است. چرا که پدر شیخ صدوق از احمد بن محمد بن خلیل روایتی نکرده و علی بن سنان موصلی نیز از ایشان روایتی ندارد.

همچنین، شیخ طوسی همواره با دو واسطه، یعنی شیخ مفید و از طریق او از شیخ صدوق، از پدر شیخ صدوق روایت می‌کند. شیخ طوسی می‌فرماید:

علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، فقیهی بزرگ و مورد اعتماد بود و کتاب‌های بسیاری داشت... شیخ مفید و حسین بن عبید الله، از ابو جعفر بن بابویه

۱۸ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

(شیخ صدوق)، به نقل از پدرش، تمام کتاب‌ها و روایات ایشان را برای ما گفته‌اند^۱.

این در حالی است که بین شیخ طوسی و علی بن حسین که نامش در روایت کتاب غیبت آمده است سه واسطه به این ترتیب وجود دارد: گروهی از حسین بن علی بن سفیان بزوفری، از علی بن سنان موصلی عدل.

این نشان می‌دهد که بین علی بن حسین که در روایت کتاب غیبت ذکر شده و پدر شیخ صدوق، اختلاف طبقه است و این دو، یک شخص نیستند.

همچنین خود شیخ صدوق نیز با دو واسطه از علی بن سنان موصلی روایت می‌کند. چنان که در کتاب کمال الدین و تمام النعمة فرموده است:

ابو العباس احمد بن حسین بن عبد الله بن محمد بن مهران آبی عروسی رضی الله عنه در مرو برای ما حدیث کرد

۱. الفهرست ص ۱۵۷، شماره (۳۹۲/۱۹).

و گفت: ابو الحسین بن زید بن عبد الله بغدادی برای ما حدیث کرد و گفت: ابو الحسن علی بن سنان موصلی برای ما حدیث کرد و گفت: پدرم برای من حدیث کرد و گفت: آنگاه که سرور ما ابو محمد حسن بن علی عسکری که صلوات خدا بر آن دو باد از دنیا رفت، از قم و منطقه جبال گروه‌هایی که معمولاً اموال را می‌آوردند آمدند و خبری از درگذشت امام حسن عسکری نیز نداشتند. هنگامی که به سامراء رسیدند درباره‌ی امام حسن عسکری سؤال کردند و به ایشان گفته شد که آن حضرت در گذشته است^۱.

علاوه بر این، شیخ صدوق همواره بدون هیچ واسطه‌ای از پدرش روایت می‌کند؛ این نشان می‌دهد که آن علی بن الحسین که علی بن سنان موصلی از او روایت کرده، شخصی دیگر غیر از پدر شیخ صدوق است.

۱. کمال الدین ص ۴۷۶، باب ۴۳، ح ۲۶.

۲۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

۳ - احمد بن محمد بن خلیل:

این شخص در کتاب های رجال مهمل است و هیچ مدح یا نکوهشی درباره ی او وارد نشده و شخصیت او ناشناخته است.

ناظم العقیلی که خود از مدافعان سرسخت احمد اسماعیل بصری و مبلغان اوست در کتاب خود به نام (انتصاراً للوصیة) نیز به این امر اعتراف کرده و چنین گفته است:

در میان راویان وصیت، فقط احمد بن محمد بن خلیل است که درباره ی تشیع او اطلاعی در دست نیست^۱.
در خصوص کلام عقیلی باید گفت که غیر از آن که درباره ی تشیع این شخص اطلاعی نیست، اساساً تصریحی بر وثاقت او نیز موجود نیست و همین امر برای این که روایت به کلّی بی اعتبار باشد کفایت می کند.

۱. انتصاراً للوصیة ص ۴۵.

ناظم العقیلی ادّعا کرده که در تشیع احمد بن محمد بن خلیل تردیدی نیست چرا که شیخ طوسی این روایت وصیت را از روایات خاصّه دانسته است؛ همچنین علی بن الحسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق) نیز در نقل حدیث بر این فرد اعتماد کرده و شیخ علی نمازی نیز هنگام بیان شرح حال احمد بن محمد بن خلیل چنین گفته است:

شیخ طوسی از طریق علی بن سنان موصلی از علی بن حسین از او روایت کرده است... و در این روایت تصریح بر امامان دوازده‌گانه و نام‌های ایشان و فضائلشان وجود دارد. پس این روایت حُسن و کمال راوی مورد نظر را نشان می‌دهد^۱.

این ادّعای عقیلی بی‌اساس است. چرا که شیخ طوسی هرگز شهادتی به شیعه بودن احمد بن محمد بن خلیل و دیگر راویان روایت کتاب غیبت نداده، و تنها

۱. همان مصدر.

۲۲ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

روایت ایشان را ضمن روایات خاصه بیان کرده است. منظور از بیان این روایت در میان روایات خاصه این است که این حدیث از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است حتی اگر برخی از راویان آن شیعه نباشند. مانند روایات سکونی و حفص بن غیاث و نوح بن درّاج و افراد غیر از اینها از امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام که از جمله روایات خاصه محسوب می شود، با وجود آن که این افراد شیعه نبوده اند.

شیخ طوسی فرموده است:

اگر راوی در اصل مذهب مخالف اعتقاد صحیح باشد و با این وجود از ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز روایت کند، در حدیث او نگریسته می شود و اگر از راه هایی که به آن اعتماد و اطمینان وجود دارد، خبری مخالف آن وجود داشت، باید اخبار آن افراد را ترک نمود... بنابراین آن روایاتی که افرادی غیر شیعه مانند حفص بن غیاث، غیاث بن کلوب، نوح بن درّاج و سکونی و ... از ائمه

نگاهی به حدیث وصیت ۲۳

علیه السلام نقل کرده‌اند و نزد شیعه چیزی برخلاف آن وجود نداشته و انکار نشده است، مورد عمل شیعیان است^۱.

اما این که ناظم العقیلی ادعا کرده که علی بن حسین بن بابویه بر احمد بن محمد بن خلیل در نقل روایت اعتماد کرده است نیز بی اساس است. چرا که ما نشان دادیم که شخصی که از احمد بن محمد بن خلیل روایت کرده علی بن حسین بن بابویه نیست بلکه فردی ناشناخته است که بین علی بن حسین بن بابویه و او اختلاف طبقه وجود دارد.

حتّی اگر فرض کنیم کسی که از این شخص روایت کرده نیز همان پدر شیخ صدوق است، باز هم ادعای عقیلی نادرست خواهد بود. چرا که این تنها روایتی است که علی بن الحسین از احمد بن محمد بن خلیل دارد و یک روایت نمی‌تواند به معنی اعتماد کردن

۱. العدة فی أصول الفقه ج ۱، ص ۱۴۹ و ۱۵۰.

۲۴ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

باشد و هیچ یک از علماء نیز نگفته اند که علی بن حسین بن بابویه تنها از افراد مورد اعتماد روایت می کند.

اما آنچه مرحوم نمازی گفته نیز ادعایی ضعیف و خلاف تحقیق علمی است که نه تنها هیچ دلیل صحیحی ندارد، بلکه مخالف آن چیزی است که اکثر علماء شیعه بیان نموده اند. مشخص نیست ناظم العقیلی چگونه این کلام را پذیرفته و از مرحوم نمازی تقلید کرده است، حال آن که پیروان احمد اسماعیل علم رجال را قبول ندارند و بر سخنان رجالی ها اعتماد نمی کنند و تنها سخنان ضعیفی را که همسو با نظرات آنان باشد می پذیرند و دیگر سخنان و نظرات را اگر با ایشان موافق نباشد مردود می شمارند.

۴ - جعفر بن احمد مصری:

این شخص نیز در کتب رجال مهمل است و شرح حالی برای او وجود ندارد و کسی را نیافتیم که به وثاقت او تصریح کرده باشد.

آری، ابن حجر عسقلانی گفته است:

جعفر بن احمد بن علی بن بیان بن زید بن سیابة
ابو الفضل غافقی مصری، معروف به ابن ابی العلاء؛
ابن عدی پس از ذکر نسب او گفته است: روایات او را
در سال دویست و نود و نه و سال سیصد و چهار
نو شتم. به نظرم در همان سال نیز وفات کرد. او از ابو
صالح، عبد الله بن یوسف کلاعی، ابو محمد دمشقی
تنیسی و سعید بن عفیر و گروهی دیگر، روایاتی برای
ما نقل می کرد که ما او را متهم به جعل آن روایات
می کردیم و بلکه مطمئن بودیم که آنها را جعل نموده
است، و او رافضی بود^۱.

اما این سخن ابن حجر، اگر نگوییم که دلیل بر
ضعف این فرد است، هیچ اشاره ای نیز به وثاقت او
ندارد.

(۱) لسان المیزان ج ۲، ص ۱۸۰، ش ۴۴۲.

۵ - حسن بن علی، عموی جعفر بن احمد مصری:

این فرد نیز مانند دو فرد پیشین، در کتب رجال مهمل است و هیچ ستایش و نکوهشی درباره‌ی او نگفته‌اند و بنابراین مجهول خواهد بود.

۶ - پدر حسن بن علی:

این فرد، علی بن بیان بن زید بن سیابة مصری است که او نیز مجهول می‌باشد و عالمان رجال مدح یا نکوهشی درباره‌ی او نقل نکرده‌اند.

نتیجه‌ی بررسی:

اکثر راویان روایت کتاب غیبت از افراد ناشناس هستند و آنان را نمی‌شناسیم، و وثاقت ایشان نیز ثابت نشده است. بنابراین روایت از اعتبار ساقط خواهد بود و نمی‌توان در هیچ موردی به آن استدلال کرد، چه رسد به آنکه شایستگی استدلال بر اثبات دوازده امام پس از امام مهدی علیه السلام را داشته باشد.

سخنان علماء شیعه درباره‌ی روایت وصیت:

علامه مجلسی پس از آن که برخی از اخبار را که ظاهرشان وجود دوازده مهدی پس از دوازده امام است بیان می‌کند، چنین می‌فرماید:

این اخبار مخالف مشهور هستند و به یکی از این دو راه باید تأویل شوند:

یکی آن که بگوییم منظور از دوازده مهدی، پیامبر و دیگر امامان به جز امام قائم است؛ به این صورت که حکومت آنان پس از امام زمان خواهد بود، همچنین گذشت که حسن بن سلیمان حلی نیز این روایت را به تمام ائمه تأویل کرده است و نظرش چنین است که امام زمان نیز پس از مرگشان رجعت می‌کنند. به این شکل نیز می‌توان برخی از اخبار مختلفی را که درباره‌ی مدت حکومت امام زمان وارد شده با هم جمع کرد.

دوم آن که بگوییم این مهدیان، از اوصیاء امام

۲۸ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

زمان هستند، و در زمان دیگر امامانی که رجعت می کنند - تا هیچ زمانی از حجّت خالی نباشد - نیز به هدایت خلق خواهند پرداخت، اگر چه اوصیاء پیامبران و امامان نیز حجّت به شمار می روند. و خدای متعال آگاه است^۱.

همچنین شیخ حرّ عاملی نیز در کتاب (الفوائد الطوسية) چنین فرموده است:

فایده سی و هشتم: حدیث دوازده نفر پس از دوازده امام: بدان که این مضمون در برخی از اخبار وارد شده امّا عجیب و محل اشکال است. آن طور که به خاطر می آورم، تنها عدّه‌ی بسیار کمی از اصحاب ما متعرّض این مطلب شده‌اند. اعتقاد یقینی به این روایت امکان پذیر نیست، چرا که آن چه در این خصوص وارد شده است به حدّ یقین نرسیده است بلکه حتّی احتمال دادن آن به شکل یک امر ممکن اشکال دارد، چرا که

۱. بحار الانوار ج ۵۳، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

نگاهی به حدیث وصیت ۲۹

روایات بسیاری در تعارض با آن است. به طور کلی لازم است درباره‌ی آن توقف شود تا زمانی که محقق شده و قوی‌تر بودنش نسبت به روایات معارضش آشکار گردد. این روایت تا آنجا که اکنون به خاطر دارم، از چند طریق وارد شده است:

طریق اول: آن چه شیخ طوسی در کتاب غیبت ضمن احادیثی که از مخالفان درباره‌ی نصّ بر امامان روایت کرده و چنین گفته است:

به ما خبر دادند گروهی از ابو عبد الله حسین بن علی بن سفیان بزوفری، از علی بن سنان موصلی عدل، از علی بن الحسین، از احمد بن محمد بن خلیل، از جعفر بن احمد بن مصری، از عمویش حسن بن علی، از پدرش، از امام صادق علیه السلام، از پدرش امام باقر علیه السلام، از پدرش صاحب پینه‌ها امام سجاد علیه السلام، از پدر پاک و شهیدش امام حسین علیه السلام، از پدرش امیر مؤمنان علیه السلام که فرمود: رسول خدا که درود خدا بر ایشان

۳۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

و خاندانشان بود در شب وفاتشان به علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: ای ابو الحسن، ورق و جوهری آماده کن. پس پیامبر خدا وصیتشان را به امام علی املا نمودند تا به این قسمت رسید:

ای علی، پس از من دوازده امام و پس از آنان دوازده مهدی خواهد بود... تا آخر روایت^۱.

همچنین شیخ بیاضی عاملی گفته است:

روایتی که سخن از دوازده نفر پس از دوازده امام میگوید، روایتی شاذ و مخالف با روایات صحیح و متواتر و مشهوری است که می گویند پس از امام قائم دولتی وجود ندارد و از دنیا تنها چهل روز با هرج و مرج باقی می ماند و مردگان از قبرها خارج شده و قیامت برپا می گردد؛ ضمن آنکه کلمه‌ی (بعد) که در روایت آمده و گفته شده (بعد از امامان...)، لزوماً به

(۱) الفوائد الطوسية: ص ۱۱۵.

نگاهی به حدیث وصیت ۳۱

معنی بعدیت زمانی نیست؛ چنان که در قرآن نیز خدای متعال فرموده است: ﴿فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ﴾ (الجاثية: ۲۳) (چه کسی او را بعد از خدا هدایت می‌کند؟) بنابراین آن مهدیان می‌توانند در زمان امام مهدی علیه السلام به عنوان نائبان ایشان حضور داشته باشند.

ممکن است اشکال شود که در روایت آمده است: (هنگامی که وفات او - یعنی امام مهدی - فرا رسید، امامت را به فرزندش می‌سپارد) و این امر تأویلی که آورده‌اید را نفی می‌کند.

در پاسخ می‌گوییم: این عبارت دلالتی بر بقاء پس از امام ندارد و می‌تواند مربوط به وظیفه‌ی وصیت باشد تا مرگ جاهلی در کار نباشد، همچنین می‌تواند مربوط به کسی باشد که پس از امام به امامت ایشان دعوت می‌کند و این امر زیانی به حصر تعداد امامان - امام زمان و پدرانشان - در دوازده نفر نمی‌رساند.

سید مرتضی گفته است: ما یقین به از بین رفتن تکلیف هنگام مرگ امام زمان نداریم، بلکه ممکن است امامان صرفاً دوازده نفر باشند و پس از آنان پیشوایانی به حفظ دین و مصالح اهل آن اقدام کنند؛ این سخن، ما را از عنوان شیعیان دوازده امامی خارج نمی کند، چرا که وظیفه و واجب ما این است که به امامت آن دوازده امام معتقد باشیم و این امر است که محل اختلاف است. ما نیز سابقاً بیان واضحی در این باره داشته ایم. چون کس دیگری نیز در این خصوص با نظر ما شیعیان موافق نیست، این لقب مخصوص ما - و نه مخالفانمان - شده است.

من نیز می گویم: این روایت، خبری واحد است و صرفاً موجب ظنّ و گمان خواهد بود. و مسئله امامت علمی است [و نیازمند اطمینان است]، و پیامبر خدا اگر امامان پس از امام مهدی را به ذکر نام تمامی ایشان معرفی نکرده و صفات آنان را با وجود نیاز به

شناختشان بیان نکرده باشد، تأخیر بیان از زمان نیاز لازم می‌آید؛ همچنین این قسمت اضافی روایت [مربوط به مهدیان دوازده گانه] قسمتی شاذ است که توان معارضه با روایات مشهور را نخواهد داشت.

ممکن است چنین اشکال شود که تعارضی بین این دو دسته از روایات نیست؛ چرا که نهایتاً در روایات چنین آمده که پس از من دوازده خلیفه هستند یا آمده که امامان پس از من به عدد پیشوایان بنی اسرائیل می‌باشند و مانند اینها.

در پاسخ می‌گوییم اگر چنین بود ذکر نام دوازده امام امری بیهوده می‌بود؛ این در حالی است که در اکثر روایات، عبارت «ونه نفر از فرزندان حسین» آمده است. همچنین آن مهدیان دوازده گانه در تورات و اشعار قُسّ^۱ و مانند آنها ذکر نشده و پیامبر نیز در شب

۱. منظور قُسّ بن ساعده ایادی، از شاعران مشهور پیش از بعثت است که پیامبر خدا را با اسم و نسب می‌شناخت. (مترجم).

۳۴ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

معراج آنان را ندیده است؛ همچنین، پیامبر هنگامی که امامان دوازده گانه را بر شمرد به حسن گفت: زمین هرگز از ایشان خالی نمی شود. منظور پیامبر نیز زمان تکلیف بوده است. بنابراین اگر بنا باشد که پس از دوازده امام، امامان دیگری باشد، لازم است که زمین از دوازده امام خالی شود. این ادعا که سخن پیامبر، اولاد دوازده امام را نیز شامل می شده بعید است، چون مجاز است و لزومی به قبول ادعای مجاز نیست^۱.

اکنون و پس از ملاحظه ی سخنان عالمان شیعه درباره ی این روایت و مانند آن، ما نیز می گوئیم:

امامان اهل بیت علیهم السلام شیعیانشان را به فراگیری روایات افراد عادل تر، داناتر، راستگوتر و پرهیزگارتر امر کرده و دستور داده اند که روایات مشهور این اشخاص فرا گرفته شده [و بر آن اعتماد شود] و آنچه شاذ و غیر مشهور است رها شود. در مقبوله ی عمر بن

۱. الصراط المستقیم ج ۲، ص ۱۵۲ و ۱۵۳.

نگاهی به حدیث وصیت ۳۵

حفظه، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام چنین روایت شده است که آن حضرت فرمودند:

«حکم آن چیزی است که عادلترین، داناترین و راستگوترین و پرهیزگارترین آن دو [فقیه] بگویند و اعتنایی به حکم شخص دیگر نمی‌شود». راوی می‌گوید: به امام عرض کردم: هر دوی آنان عادل و نزد اصحاب ما مورد رضایت هستند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند. امام فرمودند: «در این حالت نگاه شود که مدرک حکم کدامیک از آن دو نفر، روایت مورد اتفاق نزد اصحاب است، پس آن حکم قبول شود و آنچه نادر و غیر مشهور نزد اصحاب است رها شود. چرا که در آنچه مورد اتفاق است تردیدی نیست»^۱.

همچنین ابن ابی‌جمهور از زرارة بن اعین روایت کرده که گفت: از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم: فدایتان شوم،

۱. کافی ج ۱، ص ۶۷ و ۶۸، باب اختلاف الحدیث، حدیث ۱۰.

از شما دو خبر و حدیث متعارض به ما می رسد؛ کدام را قبول کنیم؟ حضرت فرمودند: «ای زراره، آن چیزی را بگیر که بین اصحاب مشهور است و آنچه شاذ و نادر است را رها کن». گفتم: سرور من، هر دو خبر مشهور و روایت شده و رسیده از شما هستند. حضرت فرمودند: «آن روایتی را بپذیر که عادل ترین و مورد اطمینان ترین آن دو نفر می گوید»^۱.

تردید نیست که روایتی که سخن از مهدیان دوازده گانه پس از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می گوید، روایتی شاذ و مخالف روایات متواتری است که می گوید امامان دوازده نفرند و زیاد و کم نخواهند شد؛ اضافه بر این، چنین روایتی توسط افرادی ناشناس روایت شده است، اما روایاتی که سخن از حصر امامان در دوازده نفر می گویند را یاران مورد وثوق و اطمینان امامان، یکی پس از دیگری روایت کرده

۱. عوالی اللئالی ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۲۲۹.

نگاهی به حدیث وصیت ۳۷

بدون آنکه کسی آن را انکار نماید. همه‌ی اینها موجب می‌شود که ما روایت دوازده مهدی از فرزندان امام قائم عجلایه را ترک نموده و نپذیریم.

روایات امامان دوازده‌گانه:

روایت کتاب غیبت شامل مواردی است که لازم است در آنها تأمل و دقت شود. از جمله:

در این روایت چنین آمده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «پس از من دوازده امام خواهد بود». روایات متواتر دیگری که از طریق شیعیان و اهل سنت رسیده، به این دوازده امام دلالت می‌کنند.

از جمله روایات شیعه در این خصوص میتوان به این احادیث اشاره کرد:

۱ - آنچه کلینی و صدوق (که خدا روحشان را قدسی گرداند) با سندهای خود از زراره روایت کرده‌اند که گفت: از امام باقر عجلایه شنیدم که آن

۳۸ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

حضرت فرمودند: «ما دوازده امام هستیم، حسن و حسین و سپس امامان از فرزندان حسین»^۱.

۲ - آن چه کلینی و صدوق و نعمانی (که خدا ارواحشان را قدسی گرداند) به سندهای خود از امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده اند که امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به ابن عباس فرمودند: «در هر سالی شب قدر وجود دارد و در آن شب امر کل سال نازل می شود و برای آن امر پیشوایانی پس از رسول خدا وجود دارد». ابن عباس گفت آنان چه کسانی هستند؟ حضرت فرمودند: «من و یازده نفر از فرزندانم که امامانی مُحَدَّث هستیم»^۲.

۳ - آنچه که شیخ حرّ عاملی از کتاب اثبات الرجعه فضل بن شاذان به سند صحیح از ابو شعبه حلبی از امام

۱. کافی ج ۱، ص ۵۲۳، باب فیما جاء فی الاثنی عشر...، ح ۱۶؛ خصال ص ۴۷۸، ح ۴۴.

۲. کافی ج ۱، ص ۵۳۳، باب فیما جاء فی الاثنی عشر...، ح ۱۱؛ کمال الدین ص ۳۰۵، باب ۲۷، ح ۱۹؛ غیبت نعمانی ص ۶۸، باب ۴، ح ۳.

نگاهی به حدیث وصیت ۳۹

صادق عَلَيْهِ السَّلَام، از پدرانش از امام حسن مجتبی عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که آن حضرت فرمودند: «از جدّم رسول خدا درباره‌ی امامان پس از ایشان پرسیدم؛ فرمودند: امامان پس از من به تعداد پیشوایان بنی اسرائیل هستند، دوازده نفر که خدا علم و فهم مرا به آنان عطا کرده است»^۱.

روایات دیگری غیر از این سه روایت نیز به زودی ذکر خواهد شد و آن را ملاحظه خواهید کرد.

از جمله روایات اهل سنت در این خصوص

می‌توان به این احادیث اشاره کرد:

۱ - آنچه را بخاری و افراد غیر از او از جابر بن

سمره روایت کرده‌اند، که گفت: شنیدم پیامبر خدا

می‌فرمود: «دوازده امیر خواهند بود». سپس پیامبر

کلمه‌ای گفت که آن را نشنیدم. پدرم گفت: که پیامبر

فرموده بود: «همه‌ی آنان از قریش هستند»^۲.

۱. اثبات الهداة ج ۲، ص ۲۳۳.

۲. صحیح بخاری ج ۸، ص ۱۲۷.

۴۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

بغوی درباره‌ی این حدیث گفته است: این حدیثی است که بر صحیح بودن آن اتفاق نظر وجود دارد.^۱

۲ - مسلم از جابر بن سمره روایت کرده که گفت: با پدرم بر پیامبر خدا وارد شدیم. شنیدم که آن حضرت می فرمود: «این امر پایان نمی پذیرد تا دوازده خلیفه بیایند». سپس کلامی گفت که بر من پوشیده ماند. به پدرم گفتم: پیامبر چه گفت؟ پدرم گفت: فرمودند «همه‌ی آنها از قریش هستند».^۲

۳ - مسلم همچنین به سند خود از جابر بن سمره چنین روایت کرده است: شنیدم که پیامبر خدا می فرمود: «همواره امور مردم پیش خواهد رفت ما دامی که دوازده مرد بر آنان حکومت کنند». سپس پیامبر کلامی فرمود که بر من پوشیده ماند. پس از پدرم

۱. شرح السنه ج ۱۵، ص ۳۱.

۲. صحیح مسلم ج ۶، ص ۳.

نگاهی به حدیث وصیت ۴۱

سؤال کردم که پیامبر چه گفت؟ پدرم گفت: فرمود: «همه‌ی آنان از قریش هستند»^۱.

۴ - مسلم همچنین از جابر بن سمره روایت کرده که گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود: «همواره اسلام عزیز خواهد بود تا دوازده خلیفه حکومت کنند». سپس کلمه‌ای فرمود که آن را نفهمیدم. پس به پدرم گفتم: پیامبر چه فرمود؟ پدرم گفت: فرمود: «همه‌ی آنان از قریش هستند»^۲.

و تعبیر پیامبر ﷺ در تمام این روایات و روایات دیگر که فرموده‌اند دوازده امام یا خلیفه، نشان دهنده حصر است. چرا که اگر فردی غیر از آنان نیز برای امامت وجود داشت لازم بود این امر اگرچه در برخی از روایات تبیین شود و این گونه نباشد که تمام روایات بر ذکر این عدد مشخص اتفاق نظر داشته باشند.

۱. همان مصدر.

۲. همان مصدر.

۴۲ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

شیعه و اهل سنت در بسیاری از مسائل امامت اختلاف نظر و گاه مخالفت هایی شدید دارند، جز آن که در این مورد بر تعداد خلفای دوازده گانه هم رأی هستند و آن را زیادتر یا کمتر نمی دانند. اختلاف آنان در این خصوص صرفاً در انطباق این احادیث است که آیا آن گونه که شیعه می گوید بر امامان اهل بیت علیهم السلام منطبق می شود یا آن طور که اهل سنت می گویند مربوط به دیگران است؟

هرگز پیش از احمد اسماعیل بصری کسی از این ائمه ادعا نکرده که امامان بیست و چهار نفر هستند، و همین برای نادرستی ادعای احمد و پیروان او کفایت می کند.

از جانب دیگر، حصر امامان در دوازده امام، اگر قرار باشد افراد دیگری نیز پس از ایشان وجود داشته باشند، چنان که مرحوم بیاضی عاملی گفته مستلزم بیهودگی است بلکه باعث گمراهی مردم می شود. چرا که به آنان چنین القا خواهد شد که امامان دوازده نفرند اما در واقع بیشتر از این

نگاهی به حدیث وصیت ۴۳

تعداد می‌باشند! و این امری است که هرگز از معصوم عَلَيْهِ السَّلَام صادر نمی‌شود.

هر کس که در روایات به بحث و بررسی پردازد، احادیث بسیاری با دلالت‌های روشن خواهد یافت که تعداد خلفاء و امامان را بی‌کم و کاست در دوازده نفر محصور دانسته‌اند.

از جمله: آنچه شیخ محمد بن علی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق به سند صحیح از ثابت بن دینار، از حضرت امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام، از حضرت سید الشهداء حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام، از سرور اوصیاء حضرت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که ایشان فرمودند که رسول خدا فرمود: «امامان پس از من دوازده نفرند، اولین آنان تو هستی ای علی و آخرین آنان قائمی است که خدای متعال به دستان او شرق و غرب زمین را می‌گشاید»^۱.

۱. امالی صدوق ص ۱۷۳، ح (۱۱/۱۷۵)؛ کمال الدین ص ۲۸۲، باب

۴۴ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

همچنین شیخ صدوق به سند صحیح از اسماعیل بن فضل هاشمی، از امام صادق، از پدرشان امام باقر، از پدرشان امام سجاده، از پدرشان امام حسین، از پدرشان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام روایت کرده که فرمودند: «به رسول خدا عرض کردم به من تعداد امامان پس از خود را خبر دهید؛ حضرت فرمودند: ای علی، آنان دوازده نفرند، اولیشان تو هستی و آخرینشان قائم است»^۱.

همچنین شیخ صدوق به سند خود از ابو بصیر از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز نقل کرده که ایشان فرمودند: «دوازده مهدی از ماست، شش نفر از آنان گذشته‌اند و شش نفر باقی مانده‌اند، و خدا آنچه دوست دارد را با ششمین نفر انجام خواهد داد»^۲.

۱. امالی صدوق ص ۷۲۸، ح (۱۰/۹۹۸).

۲. کمال الدین ص ۳۳۸، باب ۳۳، ح ۱۳.

همچنین شیخ صدوق به سند خود از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام چنین روایت کرده است:

«دوازده مهدی از ماست، اولین آنان امیر مؤمنان علی بن ابی طالب است و آخرین آنان نهمین نفر از فرزندان من است که او قائم به حق است، خداوند به دست او زمین را پس از مرگش زنده می‌کند و با او دین حق را بر همه‌ی ادیان پیروز میگرداند، اگر چه مشرکان را خوشایند نباشد. او غیبتی خواهد داشت که گروهی در آن از دین بیرون می‌روند و گروهی دیگر بر دین باقی می‌مانند و مورد آزار قرار خواهند گرفت؛ پس به ایشان گفته خواهد شد: اگر راست می‌گویید پس این وعده کی خواهد بود؟ اما کسی که در غیبت او بر آزار و تکذیب‌ها شکیبایی نماید، به منزله‌ی کسی است که با شمشیر نزد رسول خدا جهاد کرده است»^۱.

۱. کمال الدین ص ۳۱۷، باب ۳۱، ح ۳.

همچنین شیخ صدوق به سند خود از عبد السلام بن صالح هروی از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام از پدرانشان روایت کرده که رسول خدا در حدیثی طولانی فرمودند:

«پس در حالی که نزد پروردگارم بودم، به ساق عرش نگاه کردم و دوازده نور را دیدم که در هر نور خطی سبز بود که بر روی آن اسم یک وصی از اوصیاء من نوشته شده بود. اولین آنان علی بن ابی طالب بود و آخرین آنان مهدی امّت من بود»^۱.

همچنین شیخ صدوق به سند خود از یحیی بن ابی القاسم، از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، از پدرشان، از جدشان، از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام روایت کردند که رسول خدا فرمودند: «امامان پس از من دوازده نفرند، اولین آنان علی بن ابی طالب است و آخرینشان قائم است. آنان جانشینان و اوصیاء و اولیاء من و حجّت های خدا پس از من بر

۱. علل الشرائع ج ۱، ص ۶، باب ۷، ح ۱.

نگاهی به حدیث وصیت ۴۷

امّتم هستند؛ هر کس به آنان اعتراف کند مؤمن است و هر کس آنان را منکر شود کافر خواهد بود»^۱.

همچنین به سند خود از عبد الله بن عباس نیز چنین روایت کرده است: رسول خدا فرمودند: «من سرور پیامبران هستم و علی بن ابی طالب سرور اوصیاء است، و اوصیاء پس از من دوازده نفرند؛ اولیشان علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم است»^۲.

می‌توان گفت در روایاتی که دلالت بر حصر امامان در دوازده تن می‌کنند، این روایت از همه روشن‌تر است: شیخ صدوق به سند خود از سلیم بن قیس هلالی در حدیثی طولانی روایت کرده که امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند:

«ای مردم، آیا می‌دانید که خدا در کتابش این آیه را نازل کرد که ﴿همانا خدا می‌خواهد که پلیدی را از

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۶۱ و ۶۲، ح ۲۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱، ص ۶۶، ح ۳۱.

۴۸ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

شما اهل بیت دور کند و شما را پاک سازد؟» (احزاب، ۳۳) پس پیامبر خدا من و فاطمه و دو پسر من حسن و حسین را جمع کرد، سپس بر ما جامه ای انداخت و فرمود: پروردگارا اینها اهل بیت و پاره تن من هستند، آنچه آزارشان دهد مرا آزار داده و آنچه به آنان آسیب زند به من آسیب زده است، پس پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان ساز. پس امّ سلمه گفت من چه ای رسول خدا؟ حضرت فرمودند: تو بر خوبی و نیکی هستی؛ اما این آیه تنها و به طور مشخص درباره ی من و برادرم و دخترم فاطمه و دو پسر من حسن و حسین و نه نفر از فرزندان فرزندانم حسین نازل شده که هیچ فرد دیگری غیر از ما مشمول آن نیست». پس همه ی مردم گفتند شهادت می دهیم که امّ سلمه این را برای ما نقل کرد و ما نیز از رسول خدا سؤال کردیم و ایشان همان را که امّ سلمه نقل کرده بود برای ما گفت.

تا آنجا که حضرت فرمودند: «شما را به خدا

سوگند؛ آیا می‌دانید که رسول خدا در آخرین خطبه خود فرمودند: من بین شما دو چیز گرانها به جای می‌گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیت، پس برای آنکه گمراه نشوید به آن دو چنگ بزنید؛ همانا خدای دانا به من خبر داده و با من اینگونه عهد نموده که این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. سپس عمر بن خطاب با حالتی شبیه عصبانیت برخاست و گفت ای رسول خدا! آیا منظور تمام اهل بیت شماست؟ حضرت فرمودند: خیر، امّا منظور اوصیاء من از بین آنان است. اولشان برادرم، وزیرم، وارثم و خلیفه من در امتم و ولیّ هر مؤمنی پس از من است؛ سپس فرزندانم حسن، سپس فرزندانم حسین و سپس نه نفر از فرزندان حسین، یکی پس از دیگری تا در کنار حوض بر من وارد شوند. گواهان خدا در زمینش و حجّت‌های او بر مخلوقاتش، گنجینه‌های علمش و معدن‌های حکمتش؛ هر کس از آنان اطاعت

۵۰ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

کند از خدا اطاعت کرده و هر کس از آنان سرپیچی کند از خدا سرپیچی نموده است». پس همه ی مردم گفتند شهادت می دهیم که رسول خدا این را فرموده بود^۱.

سخن رسول خدا در فقره ی اول روایت که فرمودند: «هیچ فرد دیگری غیر از ما مشمول آن نیست»، و این که اهل بیت رسول خدا که از پلیدی ها پاک شده اند تنها محصور در دوازده نفرند، هر کسی غیر از ایشان را، مانند مهدیانی که احمد اسماعیل ادّعیای آنان را می کند یا غیر از آنان، از این که جزء آن افراد پاک شده از پلیدی باشند خارج می سازد و نیز ثابت می کند که آنان جزء دو شیء گرانبهایی که پیامبر چنگ زدن به آن دو را واجب دانسته نیز نیستند.

همچنین، از دیگر روایات و اوضح در اثبات این که امامان تنها دوازده نفر هستند، این روایت است که خزاز قمی به سند خود از جابر بن یزید جعفی، از امام

۱. کمال الدین ص ۲۷۸ و ۲۷۹، باب ۳۴، ح ۲۵.

نگاهی به حدیث وصیت ۵۱

باقر ع روایت کرده است. جابر می گوید به امام باقر عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، همانا گروهی می گویند خداوند امامت را در فرزندان امام حسن و امام حسین قرار داده است. حضرت فرمودند: «به خدا سوگند دروغ گفتند؛ آیا نشنیده اند که خدای متعال فرموده است: ﴿آن را کلمه ای باقی و پایدار در نسلش قرار داد؟﴾ (زخرف: ۲۸) آیا جز این است که امامت را تنها در نسل حسین ع قرار داده است؟» سپس حضرت فرمودند: «ای جابر، همانا امامان تنها کسانی هستند که رسول خدا به امامتشان تصریح کرده است و آنان همان امامانی هستند که پیامبر خدا فرمود: هنگامی که به معراج رفتم نام های آنان را با نور در ساق عرش دیدم که دوازده نام بود، علی و دو نوه ی پیامبر، و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم، پس اینها امامان اهل بیت پاک و برگزیده هستند. به خدا سوگند هیچ کس غیر از ما آن

۵۲ پاسخ های روشن به احمد اسماعیل بصری

را ادّعا نمی کند، جز آنکه خدا او را با ابلیس و لشکرش
محمشور خواهد کرد»^۱.

این سخن پیامبر که فرمودند: «به خدا سوگند
هیچ کس غیر از ما آن را ادّعا نمی کند، جز آنکه خدا او
را با ابلیس و لشکرش محشور خواهد کرد» به روشنی
نشان می دهد که امامان تنها دوازده نفر هستند و هر
کس غیر از آنان ادّعای امامت کند، دجّالی گمراه
و گمراه کننده خواهد بود.



۱. کفایة الأثر ص ۲۴۶ و ۲۴۷.